مدیریت شهری
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014
۲۰۱-۲۱۷
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۷ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۲/۳

تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستایی در ایران و اثرات آن بر توسعه بافت در نواحی روستایی، مورد پژوهی: روستاهای جوانمردی و باغبهزاد، شهرستان لردگان

محسن صیدالی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
بیژن رحمانی - دانشیار جغرافیا و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
عباس سعیدی - استاد جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
جمیله توکلی‌نیا - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده
اگر فضای جغرافیایی را فضایی در حال تغییر بدانیم و فضای روستایی را نیز به عنوان یکی از انواع فضاهای جغرافیایی قلمداد کنیم، شناخت ابعاد تغییر و تحولات ساختاری - کارکردی فضاها در روستاها همواره یکی از وظایف جغرافیدانان بوده است. فضای روستایی در گذر زمان و در اثر نقش آفرینی عوامل و نیروهای گوناگون، تغییروتحولات بسیاری را ساختار خود از جمله در شیوه ساخت مساکن، بافت روستائی همچنین در نقش وکارکرد در ادوارگوناگون توسعه خود پشت سر می‌گذارد. بدیهی است دامنه، وسعت، شدت و نوع این تغییر و تحولات بسته به نحوه اثرگذاری، دامنه، وسعت و نحوه اثرگذاری این نیروها و عوامل بر فضای روستائی و اثرپذیری پذیری فضاهای روستایی در سطح، دامنه و وسعت آن، در نواحی گوناگون کشور متفاوت خواهد بود. در فضاهای روستایی ایران، بالاخص پس از اصلاحات ارضی و به ویژه پس از انقلاب، تغییر و تحولات بنیادین اقتصادی واجتماعی صورت‌گرفته است‌که در این میان ساختار فضایی روستاها را نیز متأثر نموده است. همچنین، در اثر این تحولات فضایی، بافت روستاهاکه شامل مساکن و شبکه معابر روستایی است، نیز دستخوش تغییر و توسعه گردیده است. در پژوهش حاضرکه در آن از روش میدانی وکتابخانه ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است، دو روستای جوانمردی و باغ بهزاد در بخش خانمیرزا از توابع شهرستان لردگان انتخاب شده‌اند و سعی شده است‌که ضمن بررسی روند و ابعاد تغییر و تحولات فضایی‌که در این روستاها در محدوده زمانی بعد از انقلاب در اثر عوامل یادشده صورت‌گرفته است، تأثیر پذیری بافت روستاهای مورد نظر از تغییر و تحولات فضایی ذکر شده در سطوح مختلف، با روش توصیفی - تحلیلی تبیین شوند.
واژگان کلیدی: تحولات ساختاری - کارکردی، فضای روستایی، بافت روستایی، مسکن روستایی، شهرستان لردگان.

Structural-functional evolutions of rural spaces in Iran and their effects on development of rural texture in rural areas, a case study of Javanmardi and Baghbehzad Villages, Lordegan County

Abstract
Considering the geographical spaces in a changing state and the rural space as a geographical space, it is necessary for geographers to recognize the dimensions of structural-functional evolutions in rural areas. The rural spaces due to functionality of different forces over time experience many changes in their structure. These include changes in building house, rural texture as well as in function through the evolving periods of development. It is evident that the range, magnitude, intensity, and the type of these changes and evolutions are different in many regions throughout the country depending upon the kind of influence, the range and the magnitude of these factors and forces in the rural spaces as well as upon the passivity of the areas from these driving forces. Some considerable economic and social changes were made in rural spaces of Iran particularly following farm reforms and Islamic Revolution by which the spatial structure of many villages are influenced. Accordingly, as a result of these spatial evolutions the rural texture including the domiciles and pathway networks has undergone changes and developments. The study through a literature and field way for gathering data attempt to investigate the rate and the dimensions of these spatial evolutions for the selected villages of Javanmardi and Baghebehzad in Lordgan County after the revolution as well as the effects of these evolutions on the texture of the villages by an analytical-descriptive method.
Keywords: spatial evolution; rural space; rural texture; rural houses

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۲۸۱۰۷۵۸؛ رایانامه: Mseidali@gmail.com
این مقاله مستخرج از رساله دکتری محسن صیدالی با عنوان: تحولات ساختاری - کارکردی سکونتگاه‌های روستایی و ارتباط آن با توسعه روستایی (مطالعه موردی، بخش خانمیرزا، شهرستان لردگان) در دانشگاه شهید بهشتی تهران می‌باشد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مقدمه

سکونتگاههای روستایی ایران در طول تاریخ پایگیری، استقرار و روند تداوم حیات خود، تحولات گوناگون فضایی را پشت سر می‌گذارند. این تحولات می‌توانند در ابعادکالبدی- فضایی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- معیشتی و محیطی- اکولوژیک بررسی شوند. همانگونه که در شکل‌گیری، استقرار و پایگیری روستا، عوامل و نیروهای گوناگونی موثر است، وقوع و بروز تحولات فضایی در روستاها نیز متأثر از اثرگذاری نیروها و عوامل متعددی است. بسته به دامنه فعالیت، نوع، چگونگی، مقطع زمانی و مدت زمان اثرگذاری این نیروها و عوامل، در جریان تحولات فضایی و نیز بسته به دامنه و نوع اثرپذیری سکونتگاههای روستایی از این نیروها و عوامل، ماهیت و چگونگی این تحولات در نواحی گوناگون متفاوت و متنوع خواهد بود.

نحوه قرارگیری عناصر و اجزا اصلی یک روستا، مانند مجموع ساختمانها، باغها و مزارع، پل و جاده و راه، فضاهای باز، مانند خرمنگاه و گورستان و بنای زیارتگاه و عناصر اصلی محیط، مانند رودخانه و چشمه، در مجموع، بافت روستا را تشکیل می‌دهد. قرارگیری عوامل فوق درکنار یکدیگر، تابع قواعد و اصولی است‌که در هر منطقه و در هر مصداق، نیازمند مطالعه و شرح و بحث است. آنچه مسلم است، اینکه رابطه‌این اجزاء با یکدیگر از نوع تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه حکمتی در پس آن نهفته است‌که ممکن است به راحتی به نظر نرسد و حتی با پرس‌وجو در محل و از اهالی هم نتوان آن را به سادگی بازخوانی کرد. معمول است که علاوه بر بافت روستا، از بافت پر روستا نیز در فضاهای علمی وکارشناسی سخن می‌گویند. منظور از بافت پر، معمولاً مجموعه مصنوع شامل خانه‌ها و کوچه‌ها و گذرگاهها و ابنیه عمومی‌است که در کنار یکدیگر قرار دارند. حتی در روستاهای پراکنده نیز محدوده‌ای را‌که ساختمانهای مسکونی در آن قرار دارند، می‌توان بافت پر تلقی کرد (زرگر، ۱۳۸۷، ص ص۲۰).

همانگونه‌که اشاره شد، اگر بافت روستایی را مجموعه‌ای متشکل از شبکه معابر، مساکن، مزارع، باغات، مراکز خدماتی، فضاهای عمومی‌بدانیم؛ در روند شکل‌گیری و استقرار یک روستا و نیز در فرایند توسعه کالبدی و فیزیکی، یک روستا در طول تاریخ حیات خود، تغییر و تحولات در شکل و فرم هر یک از این فضاها در اثر سایر تحولات می‌تواند، منظرو سیمای یک روستا را دچار دگرگونی نماید و در نهایت بافت جدید یک سکونتگاه روستایی را متفاوت و متمایز از گذشته ایجاد نماید. از جمله عمده‌ترین تحولات در دهه‌های اخیر می‌توان به ورود اتومبیل و ماشین‌آلات‌کشاورزی، گسترش مناسبات روستا-شهری، بروز و ظهور نیازهای متنوع و توسعه و گسترش خدمات و امکانات جدید در اثر شکل‌گیری این نیازها را می‌توان نام بردکه در ادوار مختلف شکل‌گیری و تداوم حیات روستاهای ایران قبل توجه و بررسی علمی می‌باشند. درگذشته‌ها، شکل‌گیری بافت روستایی متأثر از عوامل طبیعی مانند توپوگرافی، شیب‌زمین، اقلیم، دسترسی به منابع آب و شکل بهره‌برداری از آنها بوده است، برای مثال شبکه‌های آبیاری و نیز وجود یک رشته قنات یا چشمه و چاه، موجب پایگیری یک سکونتگاه روستائی، شکل دهنده، جهت بخش و هدایت کننده توسعه کالبدی- فیزیکی روستاها و قوام بخش نظام استقرار مساکن و عامل مهم تداوم‌بخش حیات یک روستا و جامعه روستایی ساکن در آن بوده است.

علاوه برآن، در اثر عوامل اجتماعی مانند کوچ‌نشینی اقوام، طوایف و ایلات و نحوه سکونت و جدائی گزینی طبقاتی آنان در محلات مختلف روستاها نیز، بافت روستائی شکل گرفته و یا سکونتگاه‌های روستایی از این عامل هم متاثر می‌گردندکه به تبع آن محلات همگن با افراد هم‌طایفه‌ای و از یک خاندان، در سکونتگاههای روستایی شکل می‌گرفته است. عوامل اقتصادی و از جمله ضرورت‌کوتاه بودن فاصله محل‌کار و سکونت نیز در شکل‌گیری بافت به هم پیوسته مزارع و باغات با مساکن در روستاهای ایران و از جمله در نواحی کوهستانی و یا بافت متفرق روستایی در نواحی شمالی ایران موثر بوده است‌که مجموعه این عوامل، بیانگر برخی از عمده‌ترین تحولات فضائی موثر بر بافت روستاهای ایران می‌باشند. بنابراین از گذشته‌های دور تاکنون در نواحی کوهستانی شمال شرق، شمال غرب و غرب ایران، ترتیب استقرار روستاهای کوچک و بزرگ به صورت متمرکز و در مجاور

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مزارع و زمین‌های قابل‌کشت بوده است.
از این گذشته با توجه به اقلیم سرد مناطق کوهستانی و نیز ضرورت تامین امنیت، فشردگی و تراکم بافت از جمله راهکارهایی بوده که ساکنین با توجه سابقه سکونت در محل و بر اثر تجربه به آن دست یافته‌اند، در شکل گیری و نحوه توسعه نقاط روستائی حوزه مطالعه، توپوگرافی پیچیده و اراضی ناهموار حاشیه رودها، باعث گردیده استقرار نقاط روستایی در فاصله مناسبی از اراضی کشاورزی و منابع (آب) روستا به طرف دامنه ارتفاعات مشرف بر رودخانه‌کشیده شود (زرگر، ۱۳۷۸، ص ۲).
بعد از اصلاحات ارضی در ایران و به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به دلیل تحولات شکل گرفته درکشور، به تبع آن نواحی روستایی نیز از این جریانات تأثیر پذیرفته‌اند. انجام اقدامات عمرانی در روستاها سبب تغییر در بافت وکالبد روستاهاگردیده است و همچنین به دنبال ورود وسایل نقلیه و نیز ماشین‌آلات کشاورزی ضرورت تغییر در شبکه معابر روستایی با عریض‌تر شدن آنها و نیز انجام طرحهای هادی و بهسازی روستایی در اثر بروز نیازهای جدید در سکونتگاههای روستایی، تغییر و حتی شکل‌گیری بافت جدید روستایی را به دنبال داشته است.
همانگونه که اشاره گردید، در فضاهای روستایی ایران، بالاخص پس از اصلاحات ارضی و به ویژه پس از انقلاب اسلامی، تغییر و تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی صورت‌گرفته است‌که در این میان ساختار فضایی روستاها را نیز متأثر نموده است. همچنین، در اثر این تحولات فضایی، بافت روستاها نیز به عنوان یکی از عناصر ساختار فضایی‌که شامل مساکن و شبکه معابر روستایی است، نیز دستخوش تغییرگردیده است.
تغییرات و تحولات فضایی‌که صورت‌گرفته است از عوامل گوناگون (درونزا و برونزا) تأثیر پذیرفته‌اندکه از جمله آنها می‌توان به تغییر در نظام معیشت و اقتصاد روستایی، الگوپذیری روستا و روستاییان از شهر و توسعه شهری و معماری مدرن شهرها، تحول در نظام مناسبات و پیچیده شدن روابط شهر و روستا اشاره نمود. همچنین، تحول در اقتصاد روستائی و افزایش میزان درآمد روستاییان و ورود جریانات سرمایه در فرایند تداوم حیات و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و نیز اجرای طرحها و برنامه‌های عمرانی و توسعه ای در روستاها را می‌توان ذکرکرد،که در مجموع، در اثر این نیروها و عوامل و موارد بسیاردیگری بافت جدید روستایی را متناسب با شرایط، نیازها و الزامات جدید زندگی در روستاها شاهد هستیم.
در این نوشتار نیز با عنایت به ضرورت و ماهیت بحث، روند تحولات صورت گرفته در اثر عوامل گوناگون و نیروهای متعدد ذکر شده را در دو روستای جوانمردی و باغبهزاد به عنوان دو سکونتگاه روستایی با سابقه تاریخی و سکونتی و وزن جمعیتی بیشتر نسبت به سایر روستاهای بخش خانمیرزا در شهرستان لردگان، بررسی می‌نمائیم. شایان ذکر است همانگونه‌که در بالا اشاره‌گردید، اثرگذاری یک یا چند عامل اصلی زمینه‌ساز مکان گزینی، پایگیری، تداوم حیات و شکل‌گیری نظام استقرار یک روستا می‌باشندکه در روستاهای مورد مطالعه در این نوشتار نیز این موارد قابل بررسی می‌باشند. چنانچه در روستای جوانمردی، علاوه بر ضرورت دفاع در مقابل تهدیدات،که شکل‌گیری هسته‌ی اصلی روستا را در دامنه‌ی تپه‌های مشرف به غرب روستا سبب گردیده است، وجود چشمه روستا نیز عامل مهمی در مکان‌گزینی اولیه و نیز تداوم حیات روستا در دهه‌های بعد بوده است. در روستای باغ بهزاد نیز وجود چشمه‌کرتگل عامل اصلی استقرار روستا و قنات باغ بهزاد نیز عامل تداوم حیات و قوام بخش توسعه روستا در گذشته بوده است. بنابراین، موضوع وجود یک عامل اصلی و اساسی در پایگیری هسته‌های اولیه روستاهای جوانمردی و باغ بهزادکه در این پژوهش مورد بررسی می‌باشند نیز صادق است.
در ادامه به معرفی و بررسی شرایط استقراری، موقعیتی و جغرافیایی این دو سکونتگاه در دشت خانمیرزا می‌پردازیم.

روش بررسی

به لحاظ ماهیت موضوعات و مسائل محیطی و جغرافیایی، در این پژوهش از روش مشاهده مستقیم در کنار روش کتابخانه ای درگردآوری اطلاعات مورد نیاز در پژوهش، و بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیل به صورت توأمان در تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است. با

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مشاهده شرایط حاکم بر روش ساخت و ساز مساکن در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد و نیز شیوه‌اثرگذاری و اثرپذیری مساکن و نیز بافت این روستا از تحولات فضایی حاکم، به بررسی و تجزیه و تحلیل این شرایط در روستاهای یاد شده پرداخته شده است. در نهایت ضمن بررسی وضعیت موجود این دو روستا، به پیش‌بینی شرایط آینده و نیز ارائه پیشنهاداتی در خصوص وضعیت آینده این دو روستا پرداخته شده است.

سوالات پژوهش

۱ـ چه عوامل اثرگذاری در فرایند تحولات ساختاری ـ کارکردی فضاهای روستائی در ایران و نیز روستاهای مورد بررسی در ناحیه‌ی مورد مطالعه موثر بوده‌اند؟

۲ـ چگونه اثرات و تبعات فضائی این تحولات بر بافت روستاهای ایران و به تبع آن در روستاهای مورد مطالعه در در ناحیه‌ی مورد مطالعه موثر بوده‌اند؟

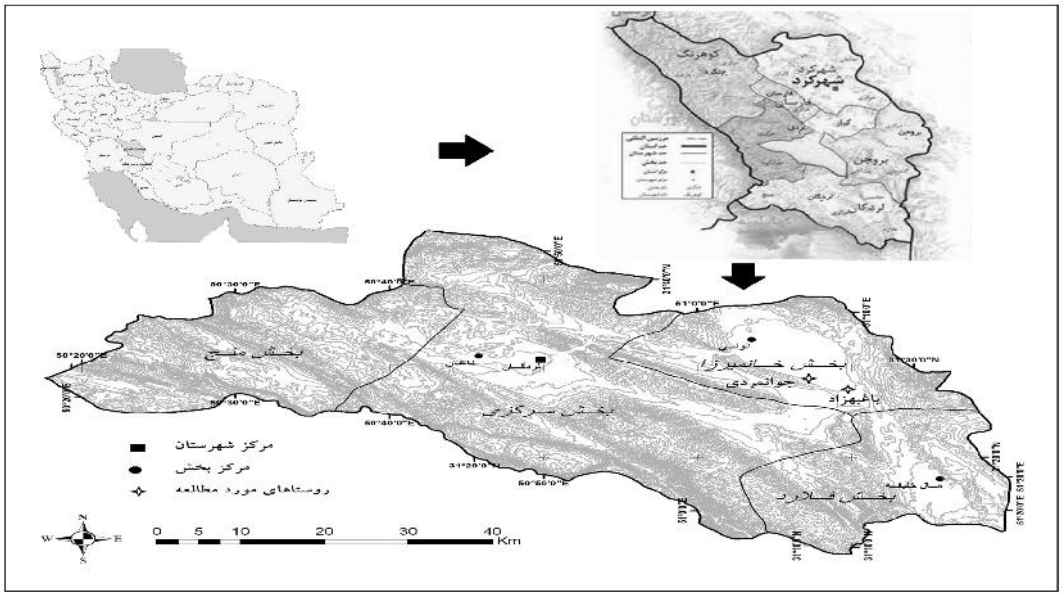
اهداف پژوهش

الف ـ شناخت عوامل، نیروها و روندهای موثر بر تحولات بافت روستایی در روستاهای مورد مطالعه؛

ب ـ بررسی نحوه اثرپذیری بافت روستایی از تحولات فضایی (اقتصادی ـ معیشتی، اجتماعی ـ فرهنگی، فیزیکی ـ کالبدی و محیطی ـ اکولوژیک) در روستاهای روستاهای مورد مطالعه.

معرفی محدوده مورد مطالعه

روستای جوانمردی، مرکز دهستان جوانمردی است که در بخش خانمیرز از توابع شهرستان لردگان واقع است. این روستا در سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۵۷۶ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۲۳۳۷نفر بوده است که از این تعداد ۱۱۹ نفر مرد و ۱۲۱۸ زن می‌باشند. روستای جوانمردی، به لحاظ موقعیت استقراری در جنوب غربی دشت خانمیرزا و به لحاظ تیپ استقرار نیز دارای موقعیت جلگه‌ای کوهستانی و از نوع متمرکز یا گردآمده می‌باشد. این روستا با قدمتی بیش از سه قرن، از نخستین کانونهای اسکان و یکجانشینی عشایربختیاری بوده است. هسته اصلی و اولیه روستا در مجاورت یک چشمه و در دامنه تپه‌های موسوم به تپه‌های دولاب در دشت خانمیرزا شکل گرفته است. به دنبال افزایش جمعیت و نیاز به توسعه فیزیکی در روستا محله پائین روستا در ضلع شرقی روستا و درکنارکانال آب موسوم به آب اکبرکه از



نقشه ۱. موقعیت روستاهای جوانمردی و باغبهزاد در بخش خانمیرزا؛ ماخذ: نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

چشمه‌ای به همین نام که در روستای سیله در بخش خانمیرزا واقع است و آب کشاورزی قدیم روستا را تأمین می‌کرده است، محله جدید روستا شکل گرفته و گسترش یافته است. در سالهای قبل از انقلاب به جزء ساختمان شرکت تعاونی روستا و شعبه توزیع نفت، هیچگونه ساختمان و تأسیساتی در ضلع شرقی روستا وجود نداشته است و بعدها ساختمان دبستان روستا درکنار این تعاونی ساخته می‌شود.

روستای باغبهزاد نیز از روستاهای دهستان جوانمردی در بخش خانمیرزا می‌باشد که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ دارای تعدا ۲۲۰۲ نفر جمعیت بوده است که از این تعداد ۱۰۶۳ نفر را مرد و ۱۱۳۹ نفر را زن بوده‌اند. روستای باغبهزاد نیز از به لحاظ تیپ استقرار از روستاهای جلگه‌ای (دشتی) و از نوع متمرکز یا گردآمده می‌باشد. این روستا از شمال به صحرای باغبهزاد و مزرعه کرتگل و نهایتا به جاده کمربندی خانمیرزا، از جنوب به دامنه‌های کوه سرخ و اراضی کشاورزی جنوب روستا، از غرب به مزرعه کرتگل و از شرق به خطوط لوله سراسری گاز و جاده گاز و رشته‌کوه سیوک، محدود می‌گردد. در شکل ۱، موقعیت جغرافیایی روستاهای یادشده در نقشه ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

از جمله مهم‌ترین پژوهشهایی که در زمینه تحولات ساختاری-کارکردی سکونتگاه‌های می‌توان به موارد ذیل اشاره‌کرد:

پژوهش‌های خارجی

۱. زوبه[1](۱۹۸۹)، در یک پژوهش تحت عنوان «تغییرات چشم انداز: ادراکات و مقیاس‌های فیزیکی»، عوامل موثر در تغییرات اراضی کشاورزی در منطقه روستایی آریزونا و تناسب این تغییرات با ویژگی‌های ساکنان منطقه، بررسی‌کرده است.

۲. مدلی و همکارانش[2](۱۹۹۵)، در مطالعه دیگری که تحت عنوان «تغییرات چشم انداز با تراکم کشاورزی در حوضه آبخیز روستایی در جنوب غربی اوهایو آمریکا» صورت گرفته است، تغییرات چشم اندازهای روستایی این ناحیه با بهره‌گیری دومطالعه مجزا اما مرتبط، شامل مطالعه عکس‌های هوایی و تجزیه و تحلیل آنها و همچنین مطالعات میدانی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. در مطالعه ای‌که توسط آلبرچیت[3] (۱۹۹۸)، در برزیل تحت عنوان «کاربرد تصاویر ماهواره‌ای در تشخیص چشم انداز وکاربری اراضی»، انجام‌گرفته است و تحولات کالبدی و فضایی در شچم اندازی‌ها را مورد مطالعه قرار داده است.

۴. وس و همکاران[4] (۱۹۹۹)، در مطالعه ای تحت عنوان «روند توسعه چشم اندازهای فرهنگی در اروپا دورنمایی برای آینده‌ای پایدار»، تقاضای روز افزون جامعه برای کاربری‌های جدید اراضی را در تغییر شکل و تخریب چشم اندازهای باارزش روستایی‌که طی قرون منتهی به این هزاره ایجاد شده‌اند، موثر می‌داند. وی از کاهش نقش سنتی کشاورزی، افزایش کاربری‌های جدید، تقاضای روزافزون برای توسعه صنعت، فضای توریستی، تفریحات، کاربری‌های چندگانه و موارد دیگر به عنوان مهم‌ترین نمودهای تغییر و تحولات کالبدی-فضایی، نام برده و تحولات روابط شهر و روستا در قالب افزایش پدیده شهرنشینی را بر تغییرات پدید آمده موثر دانسته است.

همانگونه‌که ملاحظه می‌گردد، در اغلب این پژوهش ها، تحولات و تغییرات ساختاری (طبیعی- اکولوژیک، نهادی و غیره) از جمله تغییر در چشم اندازهای کشاورزی و روستائی و اثرات آنها در حوزه‌های کارکردی (اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی-کالبدی) را که در نهایت در تغییر سیمای توسعه و عمران شهری- روستایی (فضائی) را در پی داشته‌اند، بررسی‌کرده‌اند.

پژوهش‌های داخلی

در ایران نیز در سالهای اخیر عباس سعیدی در مقالات متعددی ازجمله: پویش ساختاری-کارکردی؛ رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی- فضائی (۱۳۹۰) و پویش ساختاری-کارکردی؛ رویکردی بی بدیل در برنامه ریزی

1. Zube
2. Medley et all
3. Ulbritcht
4. Vos et all

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

فضائی (۱۳۹۱) و چندین اثر دیگر به تبیین این موضوع در ایران پرداخته‌اند. از دیگر پژوهش‌های انجام گرفته در ایران در زمینه تحولات ساختاری-کارکردی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۸۷): در رساله دکتری خود با عنوان «تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران با تاکید بر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی»، (۸۲-۱۳۵۸)، در ناحیه رباط کریم به این موضوع پرداخته است. در این رساله به دگرگونی ناهنجار و نامتعادل ساختار کشاورزی و بروز مسائل زیست-محیطی، تحولات شدید و ناموزون در جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، فیزیک (کالبد) روستاهای این ناحیه و در نتیجه کاربری اراضی ارزشمند کشاورزی پرداخته است.

۲. قادرمزی، حامد (۱۳۸۷): در رساله دکتری خود «تحولات ساختاری-کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرآیند گسترش فضایی شهر»، (طی دوره ۸۵-۱۳۵۵)، به بررسی این موضوع پرداخته است. در این رساله ضمن پرداختن به این موضوع که مرکزیت اداری-سیاسی شهر سنندج به عنوان مرکز استان کردستان و قطب مسلط جمعیتی، اقتصادی و سیاسی و نیز دارابودن ساختار خاص در عرضه خدمات و امکانات مختلف، در تبدیل سنندج به یک مرکز با نیازهای فضایی خاص در تعامل و پیوند با روستاها و شهرهای دیگر در خدمات رسانی، نیازهای فضایی جدیدی را برای آن شهر درپی داشته است و در تحول ساختاری-کارکردی روستاهای واقع در عرصه پیرامونی بلافصل خویش در ابعاد گوناگون اثرگذار بوده است.

۳. صادقی، مظفر (۱۳۸۹)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که به راهنمایی عباس سعیدی در دانشگاه شهید بهشتی به انجام رسیده است به بررسی تحولات کالبدی و فضایی سکونت گاههای روستایی پیرامون شهر نورآباد ممسنی با توجه تعاملات روستا- شهری پرداخته و دریافته‌اند که الگوی ساخت مسکن و بافت روستا تحت تأثیر تعاملات و پیوندهای روستا شهری به کلی دگرگون گردیده است.

همچنین پژوهش‌های بسیار دیگری در سالهای اخیر، در قالب پایان نامه‌های دانشگاهی در نقاط مختلف کشور به انجام رسیده است و تقریباً همه آنها به نتایجی مشابه با پژوهش‌های مورد اشاره دست یافته‌اند. آنچه از مجموع این مطالعات انجام شده به دست می‌آید، نشانگر اینست که عوامل درونزا (افزایش سطح زیرکشت و میزان تولید روستائی، توسعه‌ی مناسبات شهر و روستا و غیره) و نیز عوامل برونزا (فرایند جهانی‌شدن، اثرات زندگی شهری بر شیوه‌ی زندگی سکونتگاه‌های روستائی، الگوپذیری ساخت و ساز و معماری و به تبع آن بافت روستائی از ساخت و ساز شهری)، موجبات تحولات ساختاری-کارکردی را در سکونتگاه‌های روستائی فراهم می‌سازد.

مبانی و چارچوب نظری موضوع

شکل‌گیری و استقرار سکونتگاه‌های روستایی

شکل‌گیری روستاها در پی اسکان جماعات انسانی در نواحی گوناگون کشور، در تناسب با ویژگیهای محیطی و اکولوژیک ناحیه‌ای که در آن واقع شده‌اند، می‌باشند. استقرار، شکل و توسعه سکونتگاه، تحت تأثیر طبیعت قرار دارد؛ ولی تمام سکونتگاهها سازگاری موفقی با نیروهای طبیعی ندارند (چپ من، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

الگوهای سکونتگاه‌های روستایی از طریق سازگاری جوامع انسانی با نیروهای طبیعی و در تناسب اجتماعی-اقتصادی بسیار متنوع خود، متحول شده‌اند. سکونتگاهها همیشه با طبیعت سازگاری نمی‌یابند و به همین دلیل در مقابل سوانح طبیعی آسیب‌پذیر می‌شوند. برعکس محیط زیست طبیعی می‌تواند برای ایجاد سکونتگاهی امن‌تر و راحت‌تر تعدیل گردد. عوامل طبیعی بر طرح، نظم و مصالح بکار گرفته شده در ساختمان‌ها که لازمه بیان شخصیت فیزیکی و زیبایی‌شناسانه سکونتگاه‌ها هستند، تأثیر می‌گذارد. طبیعت بر سکونتگاه تأثیر می‌گذارد و سکونتگاهها نیز آثاری را بر طبیعت وارد می‌کنند. چنین ارتباط پیچیده‌ای، عاملی اساسی برای درک جنبه‌ها و موضوعات مختلف مرتبط به ساختمان‌ها، واحدهای همسایگی و مکانها محسوب می‌گردد (دیوید چپ من، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

در جهان امروز به مدد تکنولوژی و توسعه‌ی دانش و فناوری، اگرچه نقش‌آفرینی عوامل محیطی - اکولوژیک در مکانیابی و استقرار سکونتگاه‌ها مانند گذشته برجسته نمی‌باشد، اما نباید نقش و اثر عوامل طبیعی در آسایش و رفاه جوامع ساکن در سکونتگاه‌ها (اعم از شهری و روستائی) و نیز در تداوم حیات و بقاء آنها را از نظر دور داشت.

عوامل و تحولات فضایی موثر بر بافت و مسکن روستایی

مساکن روستایی اساسا به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء بافت فیزیکی روستایی محسوب می‌گردند. مساکن روستایی در واقع بیانگر میزان درآمدهای اقتصادی نیز می‌باشند و درواقع نمود یا تجلی فضایی فعالیتها محسوب می‌گردند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).

سکونتگاه‌های روستایی بر اساس عواملی ممکن است دارای مساکن مجتمع یا متفرق باشند. عواملی که موجب این تفرق یا تجمع می‌شوند عوامل طبیعی و فرهنگی می‌باشند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲). سنن بومی و نژادی نیز ممکن است باعث تجمع و یا تفرق مساکن شود. برخی از گروهها به علت خصوصیات و علایق خویشاوندی ترجیح می‌دهند که درکنار یکدیگر زندگی نمایند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳).

دسترسی به خدمات و تسهیلات؛ نیز، امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تجمع و تفرق مساکن محسوب می‌شود. چراکه هرچه از مساکن از این منابع فاصله می‌گیرند، هزینه دسترسی به این خدمات بیشتر می‌شود. از اینرو حتی المقدور، افراد سعی دارند که درون بافت سکونتگاهی به ساخت مسکن بپردازند (همان، ۱۵۳).

مساکن روستایی در گذشته از منابع محیطی استفاده می‌نمودند. یکی از مهم‌ترین علل در این مورد را می‌توان، فاصله این روستاها از مراکز بزرگ که منابع ساخت مسکن را تامین می‌نمودند دانست. همچنین فقدان تکنولوژی حمل و نقل نیز در این مورد اثر داشته اس. بنابراین منابع محیطی نقش قابل توجهی در ساخت مسکن داشته‌اند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).

از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار در این زمینه می‌توان به: ضرورت دفاع و حفظ امنیت، آداب و رسوم و سنن نژادی و بومی، جدایی‌گزینی اجتماعی (قومی- طایفه ای و فرهنگی)، دسترسی به خدمات و تسهیلات، شرایط طبیعی و انسانی- اجتماعی (روستاهای گردآمده در اغلب نواحی ایران و پراکنده در شمال ایران) و غیره را نام برد. ضرورت دفاع تنها موضوع مقابله با دشمنان نیست، بلکه ممکن است دفاع در مقابل یک عامل طبیعی و یاکلا در برابر خود طبیعت باشد از جمله آن تپه‌های مصنوعی دست که در نواحی هموار دشتها به ساختن تپه‌های مصنوعی دست می‌زده‌اند (ودیعی، ۱۳۵۲، ص ۵۷).

امروز، همراه با گسترش دامنه روابط شهر و روستا و برقراری جریان‌های گوناگون، از جمله جریان افراد، نوآوری و اطلاعات، دگرگونی دامنه داری در سطح سکونتگاه‌های روستایی پدیدار شده است. از جمله این دگرگونی ها، تغییر شکل و فضا بندی خانه‌های روستایی و به تبع آن، تحول کارکردی آنهاست (سعیدی، ۱۳۹۰).

تغییر الگوهای رفتار اجتماعی و ورود فضای مجازی اینترنت و دیستوپیا، که به صورت الکترونیکی مکان‌های دور را به هم وصل می‌کنند، تأثیر جدیدی بر سکونتگاهها و از جمله روستاها گذاشته است، به گونه‌ای که در آینده، سازمان فضایی آنها را دستخوش تغییر و دگرگونی خواهد کرد. تغییراتی که در نحوه تفکر روستاییان به وجود آمده نیز به نوبه خود در تغییر فضای کالبدی مؤثر است. بخشی از این تحولات، لازمه پیشرفت، توسعه و تمدن است، اما برخی دیگر ارتباطی با نیازهای جامع روستایی ندارد. ارائه ما به ازای کالبدی مناسب از نیازها و رفتارهای اجتماعی، مستلزم شناخت جامعه و ویژگی‌های آن است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

بنابراین، شکل گیری بافت روستائی متاثر از عوامل و نیروهای متعدد بیرون و درون یک روستا می‌باشد. در گذشته بنا به نیازها و نقش‌های محدود روستا و زندگی روستائی، تعدد و تنوع در معماری، شکل و کارکرد مساکن، معابر و فضاهای روستائی نیز محدود و از تنوع کمی برخوردار بود. با گسترش دامنه ارتباطات روستا- شهری و شکل گیری مناسبات جدید شهر و روستا و نقش آفرینی پیوندهای شهر و روستا در توسعه فضائی و منطقه ای، بالطبع فضاها و عناصر جدیدی در روستاها در پاسخگوئی به نیازهای جدید زندگی و معیشت روستائی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

در تاثی و تاثیر پذیری از زندگی شهری و در راستای ایفای نقشها، ماموریت‌ها و کارکردهای جدید سکونتگاه‌های روستائی یا در تکامل نقش‌های سابق روستاها شکل گرفته و توسعه یافتند.

تحولات ساختاری- کارکردی

در خصوص تحولات ساختاری و کارکردی در سکونتگاه‌های روستایی و آنچه بدان پویش ساختاری-کارکردی اطلاق می‌گردد، می‌توان گفت: «از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هر نظام، ساختار و کارکرد آن است. در نظام‌های مکانی - فضایی که موضوع اصلی مطالعات جغرافیای نوین را تشکیل می‌دهد، انواع ساختارها (ساختار محیطی، ساختار اجتماعی، ساختار اقتصادی و غیره) و کارکردها (کارکرد محیطی، کارکرد اجتماعی، کارکرد اقتصادی و غیره) مطرح می‌شوند. بدین‌سان، رویکرد نظام‌وار در جغرافیا رویکردی است که ارتباط اجزای ساختاری و کارکردی پدیده‌ها را در ارتباط و همبستگی تنگاتنگ با هم مورد تاکید قرار می‌دهد (سعیدی، ۱۳۹۰).

همه پدیده‌های جغرافیایی اعم از طبیعی - اکولوژیک و یا اجتماعی- اقتصادی، حاوی خصلت قانونمندی‌های نظامها(سیستمها) هستند و از این رو، نظاموار عمل می‌کنند. بنابر این علم جغرافیا که بررسی و شناخت اینگونه پدیده‌ها تاکید دارد، در عمل نظامهای جغرافیایی یا به زبان بهتر، نظام‌های فضائی را مورد بررسی دارد (سعیدی، ۱۳۹۰). هر نظام فضائی متشکل از مجموعه ای مرتبط از ساختارها و کارکردهای گوناگون است. از اینرو، نگارنده، جغرافیا را علم شناخت ساختاری-کارکردی نظام‌های فضائی تعریف کرده است (سه‌یچ‌چ

علاوه بر این، پدیده‌های جغرافیایی ضمن اینکه تاثیرات و تاثرات متقابلی را بر یکدیگر دارند، از پیوستگی ساختاری-کارکردی مبتنی بر قانونمندی‌های فضائی برخوردار می‌باشند. «پیوستگی‌های ساختاری-کارکردی نظام‌های فضایی، همانند تمام پدیده ها، قانونمند است. بر همین مبنا، پویش ساختاری-کارکردی بر اساس تعریف جغرافیا به عنوان علمی که نظام‌های فضایی را بررسی می‌کند، بر این بنیادها استوار است:

- چشم اندازها و پدیده‌های جغرافیایی به مثابه ی نظام‌های مکانی-فضایی؛ و
- وظیفه شناخت ساختاری- کارکردی اینگونه نظام ها.

بدین ترتیب، پویش ساختاری-کارکردی بر قانونمندی هایی از جمله موارد زیر استوار است:

– بین بسترها عینی یک پدیده (ساختار آن) و فعالیت پذیری و تحقق روابط (کارکرد) آن پیوندی بی چون و چرا برقرار است؛

– بدون عنایت به ویژگی‌های ساختاری یک نظام مکانی-فضایی نمی‌توان انتظار هرگونه کارکردی دلخواه را داشت؛

– برای ایجاد دگرگونی مثبت (توسعه) در کلیت نظام مکانی-فضایی، اعم از شهر و روستا، تحول ساختاری-کارکردی الزامی است.

بر این اساس این مختصر، پویش ساختاری-کارکردی بر این باور است که اجزای پدیده‌ها مستقل از هم عمل نمی‌کنند. به عنوان مثال، نمی‌توان در بافت کالبدی یک سکونتگاه دخالت کرد و به دامنه کارکردی آن بی توجه بود. به همین ترتیب، نمی‌توان در یک سرزمین، انتظار برخورداری از شهرهای سالم داشت، بدون وجود روستاهایی توسعه یافته و بالعکس. یا نمی‌توان شاهد شکوفایی کشاورزی بود، بدون حضور فعال صنعت و خدمات (سعیدی، ۱۳۹۱).

در گذر تحولات و رخدادهای پیش آمده (در تاریخ هر کشور) متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، روستاها دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده‌اند و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند، نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش‌آمده در دیگر عرصه‌های سکونتگاهی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و معیشت خود و نیز محیط سکونتگاههای خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی- اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند (شمس الدینی، ۱۳۸۷).

به طور نمونه، شیوه‌ی زیست و معیشت روستائیان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

عاملی تعیین‌کننده در ساخت و ساز مساکن، متناسب با فعالیت‌های جوامع روستایی می‌باشدکه رفته‌رفته درگذر زمان، دچار تحولات ساختاری وکارکردی گردیده است.
وجود برخی از فضاها در خانه‌های روستائی، مرتبط با پیشه غالب می‌باشد، چنانچه غلبه کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری دهقانی) در روستاهای استان چهارمحال و بختیاری نیز موجد عناصری کالبدی یا فضاهایی جهت انبار غله، علوفه و خشک‌کردن محصولات باغی و غیره شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۸۷).
همچنین انتخاب و به‌کارگیری مصالح همساز با اقلیم نواحی و شکل‌دهنده‌ی معماری سازگار با اقلیم و شکل‌یافتن سازه‌های روستایی متشکل از مصالح گردآوری شده در دسترس و بومی، از تحولات عمده‌ی موجد بافت روستائی درگذشته بوده است‌که جایگزینی آن با مصالح مقاوم‌تر و بادوام‌تر در سال‌های اخیر، تحول ساختاری جدید و شکل دهنده‌ی مجموعه تحولات کارکردی نوین در سکونتگاه‌های روستائی ایران محسوب می‌گردد.
به هر حال، محیط جغرافیایی، عامل تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و نوع مصالح مصرفی به شمار می‌رود (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۴۹). نوع، جنس و رنگ مصالح نیز متناسب با محیط جغرافیایی و در تناسب و هماهنگی با آن به‌کار می‌رود. درگذشته، معماری روستایی مبتنی بر باورهای قناعت گرایانه در کاربرد انرژی، مصالح ساختمانی، همسازی با محیط و بازیافت مصالح بود و برخلاف امروز، نیازی به ناسازگاری مصالح و معماری با محیط برای شاخص شدن نبود. روستاها برای اینکه بتوانند به زیست و حیات خود ادامه دهند، نیازمند ایجاد تغییر و تحول در بدنه، کالبد و به ویژه کارکرد خود می‌باشند و از این رهگذر است‌که می‌توان به توسعه در کشور، نظر داشت و با این هدف روستاییان را به ادامه سکونت و زندگی در روستاها، ترغیب و از مهاجرت و جذب آنان به کانونهای جمعیتی دیگر جلوگیری کرد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷، ص۴۰).
همچنین در بررسی تحولات ساختاری- کارکردی در سکونتگاه‌های روستایی، همانگونه که قبلا نیز بدان پرداخته شد، عوامل و نیروهای درونزا و برونزای متعدی موثر می‌باشند که در نحوه‌ی ساخت مساکن نیز این نیروها مشهود می‌باشند. از جمله می‌توان به بهره‌گیری و استفاده از مصالح طبیعی و در دسترس در محیط اشاره کرد که در اغلب نواحی روستایی ایران قابل مشاهده می‌باشند و علاوه بر آن، همسازی این مصالح در شکلدهی به معماری همساز با اقلیم نیز قابل بررسی می‌باشد. درگذشته وجود مصالح بومی و در دسترس یک عامل درونزا بوده‌است و در زمان حاضر نیز ورود مصالح جدید و بادوام علاوه بر اینکه یک عامل برونزا می‌باشد در عین حال خود یک تحول ساختاری در ساخت مساکن محسوب می‌گردد. این تحول ساختاری نیز در نوع خود سبب توسعه‌ی توأم با تحول کارکردی بافت روستائی می‌گردد.
تحول در مناسبات شهر و روستا و پیچیده‌تر شدن نظام ارتباطات و مناسبات روستا شهری به عنوان وجه دیگری از تحولات ساختاری، زمینه‌ساز تحولات‌کارکردی فراوانی در سکونتگاه‌های روستایی در جمیع ابعاد (محیطی- اکولوژیک، اقتصادی-معیشتی، اجتماعی- فرهنگی و فیزیکی-کالبدی) گردیده است. بنابر آنچه بیان گردید، امرزوه پرداختن به تحولات ساختاری-کارکردی سکونتگاه‌های روستایی (تحولات فضایی) در ابعاد گوناگون آن، که بخش از آن نیز تحول در بافت سکونتگاه‌های روستایی می‌باشد، بدون لحاظ داشتن و اساس قرار دادن رویکرد ساختاری-کارکردی امکانپذیر نمی‌باشد و در این پژوهش نیز، مبنای کار همین رویکرد نظری می‌باشد.
بنابراین عوامل متعددی از جمله موارد بالا در مقاطع زمانی مختلف بر فشردگی یا گستردگی سکونتگاه‌های روستایی موثر می‌باشندکه در نواحی مختلف و بر اساس عوامل طبیعی و انسانی متفاوت و متنوع می‌باشد. با توجه به تحولات ساختاری-کارکردی عصر حاضر و در راستای کاهش آسیب‌پذیری بافت سکونتگاه‌های روستائی از اثرات منفی الگوپذیری از معماری و ساخت و سازهای جدید و نیز درهم‌آمیختگی توام با گسست تاریخی و فرهنگی ناشی از اثرات منفی از تحولات ساختاری-کارکردی در زمینه‌ی کالبدی - فیزیکی، لازم است تا در ادامه به بررسی عوامل شکل‌دهنده به یک

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

فضای مطلوب سکونتگاهی و پایداری یک سکونتگاه در ابعاد مختلف آن (محیطی- اکولوژیک، اقتصادی- معیشتی، اجتماعی- فرهنگی و فیزیکی-کالبدی) اشاره گردد.

عوامل اجتماعی- فرهنگی

لزوم احیاء ارزشهای گذشته در ساخت مساکن و معماری با عنایت به نزول ارزشهای گذشته در عرصه‌های روستایی که در اثر دستیابی به مادیات موجبات بروز ناهنجاری‌ها و کج‌سلیقگی‌ها را توأم با ایجاد اثراتی چون حرکات نسنجیده، تزئینات مبتذل منزل، معماری بی‌قواره و آشفتگی رفتارها می‌گردد.

- توسعه فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی از طریق بسط و گسترش نشریات، رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی و غیره؛
- بازگشت به فرهنگ قناعت و دوری از اسراف و تبذیر؛
- تقویت و توسعه نظام آموزشی و ارتباط آن با ضعفهای اجتماعی؛
- تقویت روابط و مناسبات اجتماعی.

در بعد اقتصادی کالبد و بافت روستا باید بتواند به ایجاد این شرایط کمک کند که این شرایط در اثر تنوع بخشی به فعالیتهای اقتصادی روستایی تداوم بقاء و پایداری روستایی را در قالب سکونتگاه مطلوب ایجاد نماید.

- تخصصی شدن فعالیت ها
- صرفه‌جویی‌های ناشی از استفاده مشترک از زیرساخت‌های عمومی
- انتقال آسان و سریع اطلاعات و امکان به کارگیری فناوری‌های جدید

عوامل محیطی- اکولوژیک

از آنجاکه روستاها عرصه‌هایی متکی و متأثر از طبیعت می‌باشند، تقویت پیوند روستا با طبیعت در راستای توسعه پایدار و پایداری محیطی از اهمیت خاصی برخوردار است. بهره‌برداری از منابع طبیعی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی باید ضمن اینکه پایداری محیط را تضمین می‌نماید، تداوم بهره‌برداری را تضمین کند تا در اثر این تعامل در سویه انسان و محیط نه منابع محیطی در اثر مهاجرت بلااستفاده بمانند و نه دچار نابودی و ناپایداری گردند.

فرانسیس تیبالدز، معیارهای طراحی شهری «خوب» برای احیای توسعه پایدار در شهرها را به شرح زیر ارائه‌کرد

- مکان‌ها پیش از ساختمان‌ها درنظرگرفته شوند؛
- از گذشته درس گرفت و به بافتهای موجود احترام گذاشت؛
- ازکاربری‌های مختلط در شهرها استفاده شود؛
- مقیاس انسانی در طرح رعایت شود؛
- آسایش پیاده‌ها تأمین شود؛
- همه‌گروه‌های جامع مورد مشورت قرارگیرند؛
- خوانایی محیط درنظرگرفته شود؛
- محیط‌ها به شکلی انعطاف‌پذیر پیش‌بینی و طراحی شوند؛
- رشد و تغییرات محیط‌های شهری به مثابه فزاینده تدریجی درنظرگرفته شود؛
- در ارتقای پیچیدگی، شادی‌بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط تلاش شود.

هاتن و هانتر نیز بر اساس اصول توسعه پایدار، تنوع، تمرکز، مردم سالاری، نفوذ پذیری، امنیت، مقیاس مناسب، طراحی ارگانیک، اقتصاد و ابزارهای مناسب آن، روابط خلاقانه، انعطاف پذیری، مشورت و مشارکت دادن استفاده کنندگان در طرح‌ها را برای شهر پایدار الزامی‌می‌دانستند. پون بسیاری ازکارکردهای روستا در ارتباط با محیط زیست است، امروزه در بسیاری از برنامه ریزی‌های روستایی، توجه به توسعه پایدار روستایی الزامی‌است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، صص۹۷-۹۶).

یافته‌های پژوهش

الف)یافته‌های توصیفی

وضعیت مسکن در منطقه مورد مطالعه

شایان ذکر است‌که درگذشته، در دشت خانمیرزا نیز مانند سایر نقاط کشور از مصالح موجود در منطقه و در دسترس استفاده می‌شده است. که از جمله آنها می‌توان به خشت و سنگ و در سقف خانه‌ها از تیرهای چوبی و شاخ و برگ درختان استفاده می‌شده است. استفاده از مصالح بومی‌برای شکل‌دهی به محیط و ساخت سرپناه، نشان دهنده نقش تعیین‌کننده طبیعت در شکل‌گیری و شکل

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

دهی به بافت مسکونی و ایجاد هویت کالبدی روستاهاست. کاربرد مصالح بومی در معماری روستایی، حاکی از هماهنگی و همساز بودن تحولات ساختاری ـ کارکردی با جغرافیای محل و استفاده از امکانات طبیعی آن است. در نحوه‌ی شکل‌گیری شبکه معابر روستایی در روستای جوانمردی نیز، در گذشته به دلیل کمبود وسایل نقلیه موتوری و کمی عبور و مرور، روستا دارای یک خیابان اصلی با عرض کم و چندین کوچه و معابر فرعی بوده است. عبور و مرور مردم و احشام آنها از طریق این معابر صورت می‌گرفته است و در ناحیه جنوبی و غربی روستا نیز مزارع روستا واقع شده بوده‌اند. در سالهای پس از انقلاب به صورت خودجوش در بافت جدید روستا، معابر عریض‌تر از گذشته ایجاد شدند. در ساخت مساکن نیز از مصالح جدید، بادوام و نیز متناسب با اصول مهندسی ساختمان استفاده می‌شود. از جمله این مصالح می‌توان به آجر، سیمان، تیرآهن، استفاده از اسکلت بتونی با میلگرد و بتون، استفاده از قیروگونی و پوشش‌های سقفی ایزوگام و سایر عایقهای رطوبتی مرغوب می‌توان اشاره کرد. در روند توسعه فیزیکی این روستا به دلیل افزایش جمعیت، بدون نظارت دولت، ساخت و سازها در جهات شرق و جنوب روستا انجام گردید ونیز بافت قدیم روستا نیزبه صورت جدید و با معماری جدید در ناحیه غربی روستا بازسازی شد و به طورکلی تغییرات اساسی در بافت و مساکن روستا شکل گرفت. در سالهای دهه ۷۰، به دنبال اجرای طرح‌هادی روستایی توسط بنیاد مسکن شهرستان لردگان در روستا، توسعه فیزیکی روستا تاحدودی کنترل گردید و شبکه معابر اصلی روستا، اصلاح و بهسازی گردیدند.

روستای باغبهزاد نیز به عنوان یکی از روستاهای پرجمعیت و با سابقه تاریخی بیش از ۱۵۰ سال در منطقه شناخته می‌شود. این روستا در جنوب شرقی دهستان جوانمردی در دشت خانمیرزا واقع شده است در بررسی وضعیت این روستا نیز باید افزود که این روستا به طور کامل در دشت واقع شده است. هسته اولیه روستا به تبع شبکه آب قنات روستای باغبهزاد و در ناحیه مرکزی روستا شکل گرفته است و توسعه فیزیکی روستا در طی زمان به صورت شعاعی صورت گرفته است. این روستا به دلیل اینکه محدودیت توسعه فیزیکی ندارد مساکن آن به صورت گسترده ولی پیوسته توسعه و بسط یافته‌اند. بالا بودن نرخ رشد جمعیت در سالهای بعد از انقلاب در روستاهای کشور و نیز بخش خانمیرزا و به ویژه این روستا که به حدود ۳/۵ درصد نیز رسیده بود، سبب توسعه سریع روستا از جهات فیزیکی گردید. همانند روستای جوانمردی مصالح و مواد اولیه ساخت مساکن از مصالح کم دوام و طبیعی به مصالح مقاوم‌تر و جدید تغییر یافته‌اند. به دنبال تغییرات و تحولات سریع شکل گرفته در عرصه سکونتگاههای روستایی کشور، این روستا نیز از این تغییرات برکنار نمانده است و شاهد تحولات عظیمی در بافت و مساکن آن همگان و همراه با سایر نقاط کشور بوده‌ایم. در این روستا نیز در دهه ۷۰، طرح هادی روستایی توسط جهادسازندگی به اجرا درآمده است. در شکل ۲، نمونه هایی از این تحولات را پس از اجرای طرح هادی روستائی به ترتیب در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد ملاحظه می‌نماییم.

در نحوه ساخت و ایجاد مساکن روستایی نیز به عنوان یکی از عناصر بافت روستایی، تغییرات متعددی شکل گرفته است،که می‌توان به دگرگونی در استفاده از مصالح ساده و در دسترس از طبیعت در نواحی گوناگون روستایی به استفاده از مصالح مدرن، مقاوم، مهندسی و استاندارد در سالهای اخیر و تنوع و تکثر در بهره‌گیری از مصالح نوین



شکل ۲. تحولات فضائی متأثر از اجرای طرح هادی؛ ماخذ: عکسبرداری نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

ساختمانی، تنوع در پلان و نقشه مساکن، حذف و یا تغییر برخی فضاهای سنتی (انبار،کاهدان، صندوقخانه، مطبخ و غیره) به عناصر جدید چون (آشپزخانه، اتاق های پذیرایی، نشیمن، خواب اصطبل، انبارهای علوفه و پارکینگ) اشاره کرد. همچنین تغییر در سایر عناصر بافت روستایی متناسب با شرایط زمان حاضر و نیازهای جدید و از جمله تحولات شبکه معابر روستایی و بعضا اضافه شدن فضاهای سبز، عمومی و باز را می توان از دیگر اثرات فضایی مترتب بر تحولات فضائی یادشده دانست. بدیهی است، شکل‌گیری و بروز نیازهای جدید در اثر تحولات ساختاری-کارکردی و فضایی یاد شده می‌باشد که در نهایت، گذار بسیاری از روستاهای کشور را از شکل و سیمای سنتی به شکل پیچیده، مدرن و امروزی سبب گردیده است.

ب)یافته‌های تحلیلی

در ادامه مهم‌ترین عوامل و تحولات فضایی موثر بر بافت و مسکن روستایی به صورت مجزا بررسی می‌شوند.

الف) عوامل اقتصادی

در ابتدا لازم است که تعریفی از اقتصاد روستائی در راستای تبیین بیشتر این بخش ارائه گردد. اقتصاد روستایی هر فعالیتی است که در محیط روستا، به منظور تأمین رفاه و گذران زندگی روستاییان به وقوع بپیوندد، تمام و یا قسمتی از اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد (مهدوی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹).

در شیوه‌های ساخت مساکن نیز، نوع و شیوه‌ی معیشت روستائیان در ساختمساکن و در نهایت در شکل‌گیری بافت روستاها عاملی تعیین‌کننده است.در پژوهش‌های مشابه در نواحی دیگرکشور و نیز در استان چهارمحال و بختیاری که پژوهش حاضر نیز در آن استان به انجام رسیده است، نیز چنانچه قبلاً اشاره گردید، این موضوع به اثبات رسده است. در طی سالهای اخیر، تحولات عظیمی در شیوه معیشت و اقتصاد روستاهای ایران به دنبال تحولات ایجاد شده در اقتصاد جهانی و نیز ایران رخ داده است. عدم تکافوی فعالیتهای کشاورزی و دامپروری و درآمدهای حاصل از آن، علیرغم رشد سطح زیرکشت در روستاها و نیز رشد بخش خدمات در راستای شکل‌گیری نیازهای جدید در روستاها، توسعه فعالیتهای صنعتی و عمرانی درکشور و نیاز به نیروی کار و به تبع آن مهاجرت روستاییان به شهرها و نواحی صنعتی جهت‌کار و غیره، از جمله مهم‌ترین تحولات اقتصادی شکل گرفته در روستاهای ایران است.

حال با توجه به تحولاتی که در اقتصاد روستایی متأثر از شرایط اقتصادی‌کشور شکل گرفته است، نیاز به فضاهای جدید فعالیت وکسب وکار (از جمله تعمیرگاه،کارگاه ها، غیره)، فضاها و عرصه‌های جدید خدماتی (پست، مخابرات، بانک، درمانگاه و غیره) احساس گردید و حذف پاره‌ای فضاها در منازل و مساکن و جایگزینی فضاهای جدید به دنبال داشته است. حذف کاهدان و طویله، مطبخ، انباری و غیره) و شکل‌گیری برخی فضاها در برخی مساکن متناسب با نوع فعالیت و معیشت خانوارها از جمله اصطبل، انبار علوفه، پارکینگ و آشپزخانه که دو مورد اخیر در اکثر مساکن جدید موجود هستند.

در سالهای اخیر، فرایند رشد شهرنشینی و توسعه تعاملات، پیوندها و ارتباطات روستا شهری در تحول روستاها و اثرپذیر متقابل شهر و روستا از یکدیگر موثر بوده است. اگر درگذشته صحبت از روابط شهر و روستا می‌شده امروزه، پیوندهای روستا- شهری در یک فضای سرزمینی و در یک تعامل منطقه‌ای، بروز و ظهور سیمای متفاوتی از سکونت و فعالیت انسانی را ایجادکرده است. بنابراین می‌توان گفت که علاوه بر تنوع نیازها و شکل‌گیری فضاهای جدیدکه‌گوناگونی مساکن روستایی را به دنبال داشته است، تبادلات و تعاملات روستاشهری، آشنایی با فرهنگ غربی در روستاها و شهرهای‌کشور پس از انقلاب مشروطه، آشنایی روستائیان با مظاهر زندگی شهری، تجملات زندگی شهری، گسترش و اثرگذاری سازوکارهای سازمانی شهر در روستا، توسعه و فراگیر شدن شبکه‌های ارتباطی، وسایل ارتباط جمعی(رادیو و تلویزیون)، توسعه آموزش عالی و آموزش و پرورش، جریانات مالی و پولی همه در تحول اقتصادی و اثرپذیر اقتصاد روستایی از شهر مؤثر بوده‌اند و در شکل‌گیری وضعیتی‌که امروزه در روستاهای ایران ایجاد شده است را به دنبال داشته است. روستاهای جوانمردی و باغبهزاد نیز به همین دلایل و نیز دلایلی دیگر از جمله اقدامات

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]



شکل ۳. الگوپذیری مساکن روستائی از معماری شهری

دولتی در روستاها از جمله فعالیتهای عمرانی مانند انجام طرحهای هادی توسط طرح‌هادی توسط بنیاد مسکن در جوانمردی و توسط جهاد سازندگی در روستای باغبهزاد، دچار تحولات فضایی شده‌اند. بدیهی است، انجام طرحهای هادی نیز با اهداف گوناگونی صورت می‌گیرد که تحولات ساختاری ـ کارکردی که در بالا به آنها اشاره شد در ضرورت انجام و اجرای این طرح‌ها موثر بوده و نیز انجام و اجرای این طرح‌ها نیز خود تحول در بافت روستا (شبکه معابر و نیز اثرپذیری ساخت و ساز مساکن روستایی) از انجام آنها را در پی داشته است.

ب)عوامل اجتماعی- فرهنگی

همانگونه که در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند تحول بافت روستایی ذکر شد، بیش از پیش از همه عوامل اجتماعی اثرگذار و یا به عبارت بهتر زمینه‌ساز تحول اجتماعی روستایی می‌توان به نظام روابط و پیوندهای شهری و روستایی اشاره کرد. که در نهایت زمینه تأثیرپذیری بافت و مسکن روستایی را از بافت، فرم مسکن و ویژگیهای معماری و ساخت شهر و اصول شهرسازی فراهم می‌سازد. در گذشته کم بودن روابط شهر و روستا، سبب انزوای جوامع و محیطهای روستایی از ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی شهرها می‌شده است، اما در زمان حاضر به دنبال گسترش این ارتباطات دو سویه که از آن با عنوان پیوندهای روستا- شهری یاد می‌شود، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی روستاها نیز متحول گردیده‌اند و به دنبال آن بافت و مسکن روستایی نیز از این عوامل متأثر شده‌اند. افزایش ارتباط بین شهرها و روستاها و الگوبرداری از زندگی شهری، در دهه‌های اخیر، باعث تغییر ساختار خانواده از گسترده به هسته‌ای و دگردیسی فضاهای مسکونی روستایی شده است و بسیاری از خانواده‌ها به جایگزین کردن الگوهای مسکن شهری به جای خانه‌های موجود روی آورده‌اند. در شکل ۳، به ترتیب الگوپذیری مساکن روستائی از معماری شهری به ترتیب در روستاهای باغبهزاد و جوانمردی نمایش داده شده است.

روستاهای باغبهزاد و جوانمردی نیز به دنبال تغییرات فرهنگی ایجاد شده، به شکل بسیار سریع از مظاهر فرهنگی و اجتماعی جدید متأثیرگردیده‌اند. در این میان کثرت رفت و آمد به شهر، الگوبرداری از زندگی شهری، افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی، اینترنت و غیره در تغییرات اجتماعی و فرهنگی نقش مهمتری داشته‌اند و به سبب این تغییرات تنوع مساکن از حیث نوع معماری، نقشه، تنوع فضاها و نیز تغییرات در فرم کالبدی روستا و سایر عناصر موجود در بافت روستا را شاهد هستیم. در تصویر شماره یک بخشی از تحولات ساختاری ـ کارکردی



شکل ۴. قرار گرفتن بافت و معماری سنتی و مدرن در کنارهم در روستاهای باغبهزاد و جوانمردی؛ ماخذ: عکسبرداری نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

فضاهای روستائی در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد مشاهده می‌گردد. در شکل ۴، تحولات ساختاری-کارکردی بافت روستائی و تضاد دو گونه معماری و بافت مدرن و سنتی را درکنارهم به ترتیب در روستای باغبهزاد و جوانمردی نمایش داده شده است.

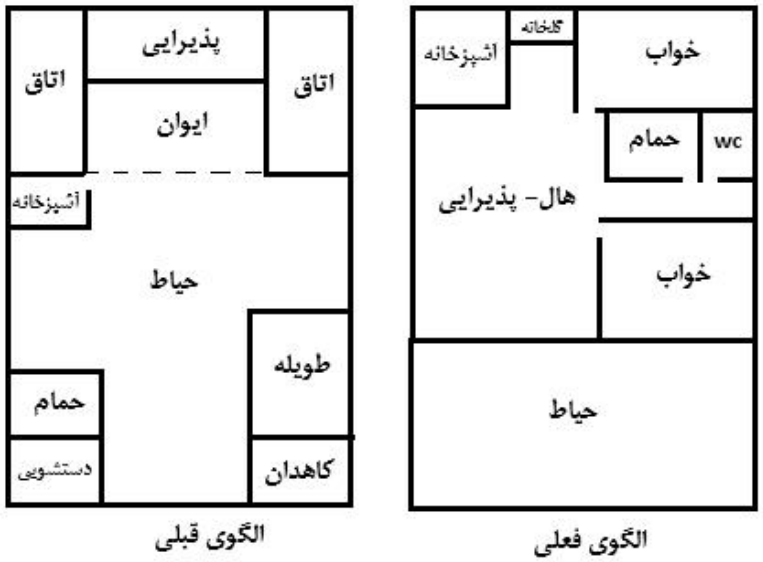
عوامل محیطی- اکولوژیک

بنابر آنچه ذکر شد، از جمله مهم‌ترین عوامل موثر بر ساخت مساکن و تغییر در بافت روستاها، محیط و عوامل اکولوژیک (طبیعت) ناحیه‌ای است که روستا در آن واقع شده است. تغییر و تحولات محیطی از جمله تغییر شرایط اقلیمی، توپوگرافیکی و ژئومورفولوژیک، نوسان در میزان منابع آب، فرسایش خاک و غیره، در نحوه بهره‌برداری از طبیعت و معیشت روستایی و زندگی جوامع روستایی موثر است. در ناحیه مورد مطالعه و روستاهای جوانمردی و باغبهزاد نیز این مسأله حائز اهمیت و مشهود است. شیوه ساخت مسکن و تغییرات در بافت روستایی و عناصر این بافت نیز تأثیرپذیری خاصی از شرایط محیطی است. چنانچه روستای باغبهزاد یک روستای گردآمده و با بافت شطرنجی و متمرکز و روستای جوانمردی دارای بافت گردآمده، متمرکز و در بخش کوهستانی دارای بافت مستقر بر دامنه‌ها می‌باشد. روستای جوانمردی از تنوع بافت بیشتری به لحاظ استقراری برخوردار می‌باشد. در دهه‌های گذشته، تعداد مساکن خالی از سکنه در بافت سنتی روستا، بیشتر بوده است، اما در سالهای دهه ۱۳۸۰ به بعد، به دلیل کمبود زمین مسکونی و محدودیت توسعه فیزیکی در محدوده روستای جوانمردی، مساکن بافت قدیمی روستا در ضلع غربی روستا تخریب و به جای آنها، مساکن با معماری و ساخت جدید و به عنوان یک نمود بارز و عینی از تحولات ساختاری- کارکردی سکونتگاههای روستایی، ایجاد گردیده است. این وضعیت در بخش مرکزی روستای باغبهزاد قابل مشاهده است (شکل شماره ۴).

تحولات الگوی ساخت مساکن در سال‌های اخیر

در اثر تحولات ناشی از توسعه مناسبات و روابط شهر و روستا و در پی الگوپذیری جوامع روستایی ساکن در سکونتگاه‌های روستایی و از جمله در ناحیه مورد مطالعه، شیوه‌ها و الگوهای ساخت مسکن نیز تغییرات چشمگیری داشته است. علاوه بر تغییر و تحولات صورت گرفته در فضاهای روستایی، شیوه‌های ساخت مساکن روستایی نیز تحول یافته‌اند و معماری داخلی و خارجی بناهای روستایی نیز در یک تنوع ساختاری-کارکردی

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014



شکل ۵. نمونه‌ای از تحولات الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه در دهه‌های اخیر؛ ماخذ: نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

(صوری و محتوائی) نسبت به‌گذشته ظهور یافته‌اند.
مساکن جدید توجه به تحولات در تکنولوژی ساخت مسکن، تغییر در سطح زیرکشت برخی محصولات و افزایش میزان درآمد روستائیان در اثر این عامل و یا تنوع یافتن درآمدهای روستائیان به دلیل اشتغال انان در مشاغل پردرآمدتر در روستا و یا خارج از آن و ورود منابع سرمایه‌ای جدید به روستاها، ورود کارکردهای جدید در بافت روستائی، اشکال و ساختار متفاوتی یافته‌اند. بنابراین، مسکن روستایی می تواند نمایانگر تجلی فضایی درآمدهای اقتصادی و طبقات و گروه‌های موجود در جامعه روستائی محسوب گردد. این موارد در ناحیه‌ی مورد مطالعه به وضوح قابل بررسی و مشاهده می‌باشند در بخش عوامل موثر بر فشردگی یا گستردگی مساکن روستایی نیز به این موارد اشاره گردید. در شکل ۵، نمونه‌ای از تحولات الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه در دهه‌های اخیر، نمایش داده شده است.
چنانچه در شکل بالا ملاحظه می‌گردد، در الگوی قبلی، عناصری در ساخت مساکن روستایی با کارکردهای معیشتی (طویله،کاهدان) وجود داشته است‌که با تحول در شیوه‌های سکونت و معیشت جوامع روستایی، این الگوها در مساکن امروزی حذف گردیده و یا متحول گردیده‌اند. در برخی موارد انبار برای نگهداری وسائل مورد استفاده درکشاورزی، باغداری و دامداری، مطبخ به عنوان محلی جهت پخت نان و غیره وجود داشته است‌که در ناحیه مورد مطالعه این عناصر از ساختار مسکن حذف گردیده و به تبع آن کارکرد مساکن نیز تغییر یافته است‌که به دلیل اینکه در زمان نگارش این پژوهش، این عناصر در مساکن جدید کمتر مشهود بوده‌اند در شکل بالا حذف گردیده‌اند. در الگوی فعلی نیز، ساخت مساکن از الگوی حذف ردیفی وکنار هم بودن اتاق‌ها و سایر عناصر، به شکل تودرتو و با وجود عناصری جدید از جمله گلخانه، راهرو، پارکینگ و غیره تحول یافته است. به طورکلی، تحولات اقتصادی- اجتماعی در شیوه‌های ساخت مساکن روستایی به ویژه در ناحیه مورد مطالعه بسیار موثر بوده‌اند.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

چنانچه گذشت، روستاهای ایران در طی سالهای اخیر و به ویژه پس از انقلاب اسلامی‌به صور گوناگون دستخوش تغییر و تحولات عدیده‌ای گردیده‌اند. این تغییر و تحولات که تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محیطی- اکولوژیکی را شامل می‌شوند، جنبه‌های گوناگون حیات روستاها را مورد تغییر و تحول قرار می‌دهندکه از مهم‌ترین آنها بافت روستاها می‌باشد. این بافت در اثر اقدامات خود روستائیان از یکسو و اقدامات عمرانی و توسعه‌ای دولت از سوی دیگر دچار تغییر و تحول می‌گردد. در جهت رسیدن به توسعه پایدار روستایی به عنوان شاه کلید و هدف غایی توسعه روستایی، لازم است تا با شناخت صحیح از زندگی روستایی و محیط روستا به برنامه‌ریزی صحیح برای روستا و روستائیان پرداخت و در نهایت، سکونتگاه مطلوب روستایی راکه آرمان توسعه روستایی است، شکل داد. سکونتگاه مطلوب روستایی به نظر نگارندگان فضایی است‌که در آن توسعه متوازن و یکپارچه روستایی از طریق فرایند ارتقاء مستمر جنبه‌های گوناگون فضایی روستایی (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فیزیکی و محیطی اکولوژیک)، زمینه بهره‌برداری مطلوب و بهینه از منابع طبیعی را فراهم نماید و ضمن ایجاد پایداری محیطی، تداوم استقرار و حیات روستا و روستایی را توام با رفاه و آسایش ساکنین و حفاظت و صیانت از محیط زیست را تضمین نماید.
به دلیل کمبود منابع درآمدی در روستاهای ایران و نیز وجود مشکل بیکاری، علیرغم افزایش کیفیت مصالح مورد استفاده در ساخت مساکن روستایی، هنوز شاهد ساخت و ساز مساکن با استحکام‌کم و معماری نامناسب هستیم. در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد نیز به دلیل نظام خرده مالکی در نظام بهره برداری از اراضی وکمبود تولید روستایی، شاهد مهاجرت نیروی‌کار و تبدیل روستا با سرزندگی و پویایی خاص خود به سکونتگاه خوابگاهی هستیم. کمبود فضای لازم برای توسعه فیزیکی، خصوصا در روستای جوانمردی، محدود شدن توسعه فیزیکی روستا را به دنبال داشته است. از سمت مغرب وجود تپه‌ها، محدود شدن جنوب روستا به اراضی کشاورزی، شرق روستا به اراضی کشاورزی و نیز شمال روستا به اراضی کشاورزی روستای مجاور (حسن هندو) و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

نیز انحصار مالکیت زمین‌های با قابلیت مسکونی در دست افراد محدود از مشکلات آینده در تحول فضایی روستای جوانمردی است. ساخت و ساز در بافت قدیم روستا نیز به پایان رسیده است و بناهای قدیمی این بافت نیز به مساکن مدرن و جدید تغییر شکل داده‌اند. در روستای باغبهزاد نیزکمبود زمین برای ساخت و ساز به دلیل عدم امکان تغییرکاربری اراضی و یا مشکل بودن آن توسعه فیزیکی-کالبدی و تحول بافت روستا، اینر روستا را در آینده با مشکلات فراوانی روبرو می‌سازد. تبدیل باغات و مزارع درون بافت روستا و حواشی مساکن نیز به مرحله نهایی خود رسیده است. در حال حاضر یکی از عوامل تسریع روند ساخت و ساز در روستای باغبهزاد، نزدیک شدن مساکن روستا به جاده‌کمربندی خانمیرزا به دلیل وجود فضایی حاصل از وجود زمین‌های‌کشاورزی (اراضی کشاورزی ضلع شمال و شمالغرب روستا) و محدودیت زمین در جهات دیگر روستا می‌باشد. از دیگر عوامل محدودکننده توسعه فیزیکی روستای باغبهزاد می‌توان به قرارداشتن سه خط لوله سراسری گازکشور در ضلع شرقی روستا می‌باشد که با توجه به بالا بودن جمعیت جوان روستا، ضمن اینکه پیش بینی می‌گرددکه آینده‌کشاورزی و تولید روستائی در این روستا رو به نابودی می‌باشد، محدودیت زمین جهت ساخت و ساز مشهود می‌باشدکه در نهایت تحولاتی نظیر ساخت و ساز مساکن با مساحت کم در ساختمان‌های یک طبقه و ویلائی، شکل‌گیری روند تراکم سازی، توسعه عمودی و دگرگونی در بافت روستائی به وقوع خواهد پیوست‌که طلیعه رخ دادن این تحولات از اکنون آغاز گردیده و در دهه آینده تسریع خواهد گردید. گفتنی است که این تحولات ساختاری-کارکردی فضاها و مساکن روستائی، متاثر از تحولات اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی درکنار تحولات جمعیتی، افزایش نفوس و نیازهای فزاینده جمعیت به ساخت مساکن و ایجاد فضاهای جدید، در روستای جوانمردی و دیگر روستاهای بخش خانمیرزا نیز قابل ملاحظه می‌باشد. چنانچه می‌بینیم در طراحی و توسعه بافتهای روستایی نیز بسیاری از معیارهای یادشده در بخش مبانی نظری این پژوهش قابل به‌کارگیری هستند. نظر به اینکه امروزه در طراحی و توسعه بافت روستایی، از اصول و معیارهای شهرسازی در سطح روستا نیز بهره گرفته می‌شود، توجه به جمیع الزامات و معیارهای از پیش برشمرده، ضروری می‌باشد. ضمن آنکه لازم است به ویژگی‌های سکونتگاه مطلوب‌که پیشتر به آن پرداخته شد، نیز توجهی خاص مبذول گردد.

البته باید به موارد فوق امکان مشارکت مردم، طراحی ارگانیک و مبتنی بر ارزشهای محیطی و طبیعی، اقتصاد و ابزارهای متناسب با آن و در نهایت کمک به توسعه روستایی پایدار در راستای ایجاد سکونتگاه روستایی روستایی پایدار و متناسب با شأن، منزلت و تعالی انسان را درنظر داشت.

منابع و مآخذ

۱. باستیه، ژان؛ درز، برنارد(۱۳۷۷) شهر، ترجمه: علی اشرفی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.

۲. چپ من، دیوید (۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۳. زرگر، اکبر(۱۳۸۷) بافت روستایی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های‌کشور، تهران.

۴. زرگر، اکبر (۱۳۸۵) درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۵. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۸) آسیب‌شناسی معماری روستایی: به سوی سکونتگاه مطلوب. چاپ اول، انتشارات شهیدی، تهران.

۶. سعیدی، عباس (۱۳۷۷) مبانی جغرافیای روستایی. چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.

۷. سعیدی، عباس (۱۳۹۰) پویش ساختاری-کارکردی: رویکردی نظاموار در مطالعات مکانی-فضایی در جغرافیا، در جغرافیا: نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان.صص ۱۶-۸.

۸. سعیدی، عباس و احمدی، منیژه (۱۳۹۰) شهرگی و دگردیسی ساختاری-کارکردی خانه‌های روستایی، مورد: روستاهای پیرامون شهر زنجان، در جغرافیا: فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

شماره ۳۱، زمستان. صص ۳۲-۷.
۹. سعیدی، عباس(۱۳۹۱) «پویش ساختاری-کارکردی، رویکردی بی بدیل در برنامه ریزی فضائی»، در فصلنامه اقتصاد فضا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، شماره ۱، تابستان، صص ۱۵-۱.
۱۰. شاریه، ژان برنار (۱۳۷۳) «شهرها و روستاها»، ترجمه: دکتر سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد.
۱۱. شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۷۷) «تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران با تاکید بر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی»، (۸۲-۱۳۵۸). رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی. دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۲. شمس الدینی، علی (۱۳۸۷)جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی فضایی روستاها از محیط های شهری، در فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۱۲۴، سال بیست و هفتم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. صص ۵۲-۴۰.
۱۳. شمس الدینی، علی (۱۳۸۷) آثار اجرای طرح‌هادی درکاهش مهاجرتهای روستایی، مورد مطالعه روستای پل فهلیان (شهرستان ممسنی)، در فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۱۲۱، سال بیست و هفتم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، صص ۴۱-۳۰.
۱۴. قادرمزی، حامد (۱۳۸۷) تحولات ساختاری-کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرآیند گسترش فضایی شهر، (طی دوره ۸۵-۱۳۵۵)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۵. غفاری، سید رامین، مدبر، معصومه و ریاحی زانیانی، زینب (۱۳۸۷) مونوگرافی مسکن و معماری روستای یاسه چاه، در فصلنامه تخصصی مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۲، تابستان، صص ۵۲-۴۲.
۱۶. منصوری زینی، محمد (۱۳۷۵)، نظام کشاورزی و سامان پذیری بافت سکونتگاههای روستایی روستایی، مورد: ناحیه میانکاله (بهشهر)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی(مطالعات ناحیه ای)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۷. مهدوی، مسعود (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
۱۸. ودیعی، کاظم (۱۳۵۲) مقدمه بر روستا شناسی ایران، چاپ دوم، انتشارات دهخدا، تهران.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]